

اسرائیل با شکایت آفریقای جنوبی به نسل کشی محکوم خواهد شد؟

وارثان ماندلا علیه نئوآپارتاید



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

در میان افرادی که در فرودگاه رامبیا در ۱۹۹۰ منظر استقبال از نلسون ماندلا رهبر مبارزان علیه رژیم آپارتاید بودند، مردی با چفیه عربی دیده می شد که منتظر دیدار با ماندلا نبود. دیدار یاسر عرفات، رهبر فلسطینی ها با او، نقطه آغاز روابط دوستانه میان مبارزان فلسطینی ها با مبارزان آپارتاید در آفریقا بود. شاید نقطه مشترکی که میان مردم فلسطین و آفریقای ها وجود داشت، «بازیزه با تبعیض نژادی بود، چیزی که اسرائیلی ها آن را در پوشش مظلوم نمایی و توریست خواندن فلسطینی ها توجیه می کنند. حالا بعد از آغاز عملیات ۷ اکتبر و بعد از ۷۵ سال ادامه این کشتار و نسل کشی علیه فلسطینی ها، آفریقای جنوبی با پرونده ای ۸۲ صفحه ای شکایت علیه اسرائیل و نسل کشی در غزه را به دیوان بین المللی لاهه برده تا اسرائیلی ها برای اولین بار مجبور باشند به خاطر نسل کشی علیه فلسطینی ها در موضع قرار بگیرند.

شکایت به دادگاه جهان

۸ دی ماه بود که آفریقای جنوبی در دیوان بین المللی دادگستری ICJ در لاهه به خاطر نقض کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸ را اسرائیل شکایت کرد. ۹ دسامبر ۱۹۴۸ بعد از جنگ جهانی دوم و کشتار یهودیان «نسل کشی تحت قوانین بین المللی جرم تلقی شد» و اسرائیل و آفریقای جنوبی نیز به این کنوانسیون رای مثبت دادند. حالا اسرائیلی ها با استناد به این کنوانسیون در موضع متهم قرار گرفته اند و باید برای قتل عام مردم غزه در این دادگاه از خود دفاع کنند. دیوان لاهه متشکل از ۱۵ قاضی است که پنج قاضی خود دائم شورای امنیت هستند و بقیه کشورهای نیز به صورت دوره ای عضو این دادگاه می شوند و به اختلافات میان کشورهای عضو سازمان ملل رسیدگی می کنند. برای رای به هر شکایت کافی است. هشت قاضی رای مثبت بدهند. در این دادگاه چیزی تحت عنوان حق وتو وجود ندارد. پیش از این در جریان نسل کشی علیه یوگسلاوی در جنگ بوسنی نیز برای اولین بار با استناد به این کنوانسیون، یوگسلاوی به نسل کشی علیه مردم بوسنی و هرزگوین محکوم شد. حالا وکلای آفریقای جنوبی با ادله به دنبال اثبات کشتار فلسطینی ها در غزه توسط صهیونیست ها هستند. امری که اگر به رای دادگاه گذاشته شود، فشارهای بین المللی به اسرائیل را بیشتر خواهد کرد.

دادگاه لاهه: در دستاره صهیونیست ها

اسرائیلی ها از همان روزهای ابتدایی جنگ و بمباران مناطق مسکونی نوار غزه در میان راه حل و پیشنهادهای مختلفی که برای پایان پیدا کردن جنگ ارائه می شد، همواره این موضوع را مطرح می کردند که ساکنان نوار غزه باید آنجا راترک کنند و در کشورهای عربی از جمله مصر مستقر شوند. با همین توجیه غزه مورد محاصره قرار گرفت و حملات در این منطقه تشدید شد. موضوعی که اگرچه واکنش های منفی از جانب دیگر کشورهای با همراه داشت اما در مجامع بین المللی اقدام جدی برای محکوم کردن این نسل کشی صورت نگرفت. اقدامات و فعالیت های حماس منی بر اینکه اسرائیل تصددا در آنها از تریست اعلام کند، باعث شد صهیونیست ها به دنبال همراه کردن دیگر کشورهای و مجامع بین المللی برای پیروزی در این نبرد باشند. فارغ از اختلافات و درگیری های نظامی که در جنگ غزه اتفاق افتاد و تنش های سیاسی میان کشورهای حامی مقاومت و صهیونیست ها، موضوعی که بیش از همه واکنش افکار عمومی در جهان را به همراه داشته، خشونت علیه غیرنظامیان، کشتار و قتل است. نکته دیگر این است که صهیونیست ها مشخصا کشتار مردم در نوار غزه را دفاع از خود تلقی می کنند. در این میان حمله به بیمارستان ها در نوار غزه نیز با این توجیه که توتل های حماس زیر این بیمارستان ها قرار دارد، صورت می گرفت. امری

برف آمد، خوشحالیم اما...

بالاخره اولین باران و برف زمستانی امسال بارید. از بعد از ظهر پنجشنبه، اغلب نواحی کشورمان شاهد بارش نزولات آسمانی بودند و در پی این بارش ها مردم هم به ادامه روزهای زمستانی و شاید عیش از تنر آبی، امیدوار شدند. پیش از این، کارشناسان و مسئولان هواشناسی پیش بینی کرده بودند که با توجه به بارش های پاییز امسال، سال آبی کم بارشی خواهیم داشت و بارش ها کمتر از حد نرمال خواهند بود. عمده علت این کم بارشی ها نیز به دلیل تغییر اقلیم است و تبعات تغییر اقلیم نیز جهانی است اما به هر حال به دلیل اینکه ایران در کمربند بیابانی زمین قرار دارد، از این تغییر اقلیم بیشتر متاثر می شود. به هر روی، بالاخره پس از گذشت ۲۲ روز از زمستان در نهایت اولین بارش های زمستانی را دیدیم. صادق ضیائیان، مدیرکل پیش بینی سازمان هواشناسی کشور در گفت وگو با «فرهیختگان» در رابطه با بارش های روز گذشته گفت: «بارش های پنجشنبه و جمعه از روز دوشنبه پیش بینی شده بود و در روزهای دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه هشدارهای لازم صادر شد.» ضیائیان معتقد است به هر حال در ادامه زمستان نیز بارندگی خواهیم

که البته صهیونیست ها نتوانستند آن را ثابت کنند. بنابراین فارغ از دعوای نظامی، سیاسی و امنیتی که اسرائیل تلاش می کند در آنها پیروز شود، حتی فارغ از دعوای سرزمینی که میان صهیونیست ها و فلسطینی ها وجود دارد، «کشتار فلسطینیان در غزه به ویژه کودکان، تخریب خانه های آنها؛ اخراج و جابه جایی فلسطینی ها و محاصره غذا، آب و کمک های پزشکی به نوار غزه؛ اعمال تدابیری برای جلوگیری از تولد فلسطینی ها از طریق از بین بردن خدمات بهداشتی ضروری که برای بقای زنان باردار و نوزادان حیاتی است.» موضوعاتی هستند که آفریقای جنوبی با استناد به آنها به خاطر نسل کشی علیه فلسطینی ها، صهیونیست ها را در جایگاه متهم نشانده است. با وجود این احتمالاتی دادگاه به سرعت صادر نخواهد شد و روند بررسی ها برای اعلام نظر دادگاه، ممکن است سه سالی طول بکشد. آفریقای جنوبی اما علاوه بر شکایت خود، درخواست اضطرابی مبنی بر جلوگیری از ارتکاب جنایت اسرائیل با استفاده از اقدامات موقت، رانیز مطرح کرده است.

وکلای آفریقای جنوبی در دادگاه چه گفتند؟

«نوار غزه ۱۶ سال است از محاصره مداوم نزع می برد، کمبود دارو، آب و برق در نوار غزه هزاران نفر را تهدید می کند، خانواده ها در نوار غزه متفرق و اعضای آنها به مکان های نامعلومی منتقل شدند، صدها معلم و استاد دانشگاه در نوار غزه کشته شدند، اسرائیل همچنان مسئولیت خود را در قبال بحران انسانی که در نوار غزه ایجاد کرده انکار می کند، آنچه فلسطینی ها در غزه با او روبرو هستند مستلزم اتخاذ تدابیر برای حمایت از آنهاست، تا کماکی جامعه بین المللی در مقابله با بحران انسانی در غزه بازتاب جهانی خواهد داشت، اکنون بحث اقدام های موقتی است که دادگاه می تواند قبل از تصمیم گیری در مورد پرونده اعمال کند، اسرائیل برای نابودی نوار غزه به مدت سه ماه نوار محاصره شده غزه را بمباران کرد؛ بیشتر قربانیان غزه بی گناه هستند.» این بخشی از اظهاراتی است که تيم حقوقی آفریقای جنوبی درباره اقدامات اسرائیل مطرح کرد و در ادامه خواست تا تعقیب فوری عملیات نظامی «در غزه صورت بگیرد. وکلای حقوقی آفریقای جنوبی در ادامه به این موضوع تاکید کردند که ۱۳ کشور، حمایت خود را از این پرونده اعلام کرده اند که نیازمند این است تا اقدام موقت برای جلوگیری از این نسل کشی صورت بگیرد. امری که با واکنش نماینده رژیم صهیونیستی در دادگاه همراه شد و این ادعا مطرح کرد که همه وقایع ۷ اکتبر از جانب آفریقای جنوبی کامل مطرح نمی شود و توقف عملیات نظامی آنها را بسرای دفاع از خود با چالش همراه می کند. وکلای آفریقای جنوبی در ادامه به این موضوع اشاره کردند که «اسرائیل عمدا شرایطی را ایجاد می کند که فلسطینی ها را از سرپناه و آب سالم محروم کند.» اسرائیل همه فلسطینی ها را مسئول عملیات حماس و همه آنها را توریست می داند. این اظهارات در شرایطی مطرح می شد که حامیان فلسطین، نیز در محل برگزاری دادگاه تجمع کرده بودند. برخی کارشناسان این موضوع را مطرح می کنند که دادگاه در شرایط فعلی، به دنبال اثبات نسل کشی در غزه نیست، بلکه ابتدا باید این امر مورد اثبات قرار بگیرد که آیا شرایطی که در کنوانسیون مربوط به نسل کشی مورد اشاره قرار گرفته و به تضمین آن تاکید شده، نقض شده و مورد آسیب قرار گرفته است یا خیر. با این وجود به نظر می رسد آفریقای جنوبی با ادله و اسناد محکمی شکایت را به دادگاه برده است و البته اظهارات مطرح شده از جانب آفریقای جنوبی تنها محدود به اتفاقات اخیر در ۷ اکتبر نیز نبوده است.

در لاهه خبری از حق وتو نیست

صهیونیست ها در میانه جنگ فرسایشی با غزه قرار دارند. علاوه بر اینکه اهدافی که از همان ابتدا به آن تاکید می کردند، محقق نشده است، حالا پای جبهه های دیگر مقاومت نیز به جنگ با شده و شرایط را برای آنها سخت تر کرده است؛ امری که اسرائیل برای نجات یافتن از این باتلاق، پای حامیان خود را به جنگ

در فلسطین باز کرده است؛ علاوه بر این، فضای افکار عمومی در جهان نیز علیه صهیونیست ها است و کشورهای حداقل در اظهار نظرهای سیاسی خود، اسرائیل را محکوم می کنند. در سمت دیگر اما تلاش های کشورهای برای محکوم کردن اسرائیل در سازمان ملل و انتشار قطعنامه علیه صهیونیست ها با رتو و لابی آمریکایی ها به نتیجه نرسید؛ حالا باز شدن پرونده حقوقی علیه صهیونیست ها در دادگاه لاهه مشکلی به مشکلات صهیونیست ها در جنگ غزه اضافه کرده است. به نظر می رسد مطرح شدن این شکایت در دادگاه لاهه صهیونیست ها را با چالش بیشتری مواجه کند؛ چراکه همزمان با آغاز این دادگاه، نتانیاهاو از موضعی که از آغاز حمله زمینی غزه به آن تاکید داشت تا حدی عقب نشینی کرد و گفت اسرائیل قصد ندارد در این همیشه در نوار غزه باقی بماند. این عقب نشینی در اظهارات نتانیاها موید این گزاره است که باز شدن پرونده حقوقی آن هم با اتهام نسل کشی علیه اسرائیل برای آنها تبعاتی به همراه خواهد داشت که موقعیت اسرائیل در منطقه و جهان را با تغییر قابل توجهی همراه خواهد کرد. بر این اساس صهیونیست ها به دنبال این خواهند بود که با لابی و اعمال نفوذ آمریکایی ها، رای دادگاه به نفع اسرائیلی ها صادر شود، با این تفاوت که در این دادگاه چیزی تحت عنوان حق وتو وجود ندارد و رای هشت قاضی دادگاه برای صدور حکم محکومیت کافی خواهد بود.

محکومیت در لاهه، اسرائیل ضعیف تری در منطقه می سازد

با این وجود امری برخی از کارشناسان نیز این گزاره را مطرح می کنند که آنچه وکلای حقوقی به لاهه برده اند و اسناد درباره اتهامات اسرائیل آتقدر دقیق است که رای دادگاه به زیان اسرائیل خواهد بود. با این تقاسم اگر این اتفاق رخ دهد، شرایط برای اسرائیل از قبل نیز پیچیده تر خواهد شد. صهیونیست ها در برهه های مختلف با استفاده از ماجرای هولوکاست به دنبال ساخت چهره مظلومی از خود بودند. در ادامه همین امر نیز همواره در درگیری ها با کشورهای عربی و مردم فلسطین جنایت هایشان را با ادعای دفاع از خود توجیه می کردند. در صورتی که رای دادگاه به زیان اسرائیل تمام شود و حتی اقدام قابل توجهی نیز برای مقابله با صهیونیست ها صورت نگیرد، اسرائیل علنا و در مجامع بین المللی به عنوان رژیم شیخته خواهد شد که به نسل کشی دست زده است. علاوه بر اینکه صهیونیست ها در مجامع بین المللی منزوی خواهند شد، کشورهای دیگر نیز در عرصه سیاسی ارتباط خود با صهیونیست ها را محدود خواهند کرد و هزینه عادی سازی روابط با اسرائیل مخصوصا از جانب کشورهای عربی را بالا خواهند برد.

این محکومیت دست متحد آمریکایی صهیونیست ها برای محکومیت در دیگر مجامع بین المللی رانیز خواهد بست، چراکه رتو قطعنامه ها علیه اسرائیل توسط آمریکا رسما حمایت از رژیم خواهد بود که به نسل کشی محکوم شده است و آن وقت آمریکا علاوه بر مجامع بین المللی با فشار عمومی در کشور خود نیز مواجه خواهد شد. بر این مبنا این محکومیت می تواند هموارکننده محکومیت های دیگر در مجامع بین المللی علیه صهیونیست ها باشد. تا اینجا صهیونیست ها حملات خود به اسرائیل را دفاع از خود تلقی کرده و اقدامات گروه های مقاومت را فعالیت های توریستی می خوانند. این امر بعد از انتشار رای دادگاه وارونه خواهد شد و پس از این اقدامات جبهه مقاومت مشروع و دفاع از خود تلقی خواهد شد و حملات اسرائیل و ادامه اقداماتش برای او تبعات حقوقی به همراه خواهد داشت. علاوه بر این ابزار قدرت صهیونیست ها علیه کشورهای مثل ایران و محکوم کردن آن به ساخت سلاح هسته ای نیز ضعیف تر خواهد شد؛ چراکه بعد از این رای دادگاه لاهه علیه صهیونیست ها آنها باید بر این امر تمرکز کنند تا در شورای امنیت محکوم نشوند.

آیا زلزله های افغانستان خطری برای ایران دارند؟

انتظار خداد مهم بر اثر زلزله های همسایه شرقی را نداریم



زینب مرزوقي خبرنگار گروه نقد روز

ساعت ۷ صبح ۲۳ مهرماه زلزله ای به بزرگی ۶٫۳ ریشتر ۴۰ کیلومتری هرات را لرزاند و چهار هزار نفر که اکثرشان هم زن و کودک بودند، در این زلزله جان باختند. پس از این زلزله پس لرزه های زیادی هرات را لرزاند. اما همین دوروز گذشته بود که بار دیگر کابل و تعدادی از ولایت های شمال و شمال شرقی با زلزله ای به بزرگی ۶٫۴ ریشتر لرزیدند. البته مرکز ملی لرزه نگاری افغانستان اعلام کرد سه زمین لرزه در کمتر از ۲۴ ساعت افغانستان را لرزاند که آخرین آنها صبح جمعه ۲۲ دی ماه به وقت محلی منطقه «هندوکش» را تکان داده است. بزرگی این زلزله ۶٫۴ و کانون آن در عمق ۱۸۰ کیلومتری زمین برآورده شده است. همچنین اولین و بزرگ ترین این لرزه ها، زمین لرزه ظهر روز پنجشنبه بود که به بزرگی ۶٫۱ ریشتر ساعت ۱۴:۵۰ به وقت محلی همین منطقه در افغانستان را تکان داد. بنابراین اعلام مرکز ملی لرزه نگاری افغانستان، کانون این زمین لرزه در عمق حدود ۲۰۰ کیلومتری زمین بوده است. زلزله دوم در مقیاس ۶٫۳ ریشتر و در عمق ۱۷ کیلومتری زمین، حدود ساعت ۲ صبح جمعه همین نواحی را تکان داد. به گزارش پایگاه خبری منطقه ای «این دیاتودی» زمین لرزه ها در دهلی و سایر بخش های شمال هند و همچنین در لاهور پاکستان و بخش هایی از جامو و کشمیر احساس شده و برخی ساختمان ها را لرزانده است. اما ایران این زمین لرزه ها در افغانستان چیست؟ مهدی زارع، ژلزله شناس و استاد پژوهشگاه بین المللی ژلزله شناسی در گفت وگو با «فرهیختگان» گفت: «افغانستان مرز برخورد بین ورقه هند با اوراسیاست و این موقعیت باعث می شود هر از گاهی آنجا زلزله اتفاق بیفتد. واقعیت این است که باید انتظار زلزله در آن منطقه را داشته باشیم. چهار زلزله از روز ۱۵ مهر در هرات پشت سر هم آمد. همچنین یکی دیگر پنجشنبه در نزدیکی فیض آباد رخ داد.»

حرکت ورقه هند و بروز زلزله در افغانستان

زراع در رابطه با چرایی احتمال وقوع زلزله های مختلف در افغانستان نیز تصریح کرد: «ورقه هند با سرعت سه سانتی متر در سال به سمت شمال حرکت می کند و هر قدر بیشتر به سمت شرق افغانستان می روم، این کوتاه شدگی بیشتر می شود و به چهار سانتی متر در سال نیز می رسد و این اتفاقی است که افتاده، بنابراین بخشی از این تغییر شکل و کوتاه شدگی به صورت زلزله خود را نشان می دهد. البته حدود ۱۰ درصد این کوتاه شدگی به صورت زلزله است و باقی آن به صورت شکل های دیگری از تغییر رخ می دهد.»

وی همچنین در رابطه با زلزله پنجشنبه افغانستان گفت: «منطقه ای که روز پنجشنبه در آن زلزله رخ داد در هندوکش است. جایی است که زلزله های قابل ملاحظه زیادی داشته است. ۴ آبان ۱۳۹۴ یک زلزله ۷٫۵ ریشتری در آن منطقه رخ داد اما تمام زلزله هایی که در این منطقه هندوکش به وقوع پیوسته اند در جایی کم جمعیتی بوده اند. یعنی در کوهستان های مرتفع و کم جمعیت بوده، معمولا در چنین شرایطی انتظار تلفات بالانداریم. البته زلزله سال ۹۴ به بزرگی ۶٫۰ ریشتر، ۴۰۰ کشته داشت که ۲۵۰ کشته در پاکستان و ۱۵۰ کشته در افغانستان بودند، به هر حال زلزله ای که دیروز اتفاق افتاد، یک درجه پایین تر بود و معمولا اگر اتفاق خاصی مانند یک لغزش بزرگ با تغییر شکل خاصی رخ ندهد، تلفات زیادی نخواهد داشت.»

فاصله چند صد کیلومتری ایران با زلزله های هرات و هندوکش

این استاد دانشگاه در رابطه با موقعیت ایران در ارتباط با قاعل شدن یا فعال نشدن گسل های ایران به دنبال این زلزله ها نیز توضیح داد: «زلزله ای که پنجشنبه رخ داد در مناطق هندوکش، بد ششان و فیض آباد بود و حدود هزار و ۸۰۰ کیلومتر با مرزهای شرقی ما فاصله داشت. طبیعتا با چنین فاصله ای انتظار نداریم اتفاقی در ایران رخ دهد. در رابطه با زلزله ای که در هرات اتفاق افتاد، یعنی از ۱۵ تا ۲۳ مهر امسال نیز این زلزله ها حدود ۲۰۰ کیلومتر با مرزهای ما فاصله داشت. طبیعتا در آن زلزله ها هم انتظار نمی رفت که تحریک مستقیم و شلیک جنبش در گسل های ایران اتفاق بیفتد. البته هم گسل های آن منطقه یعنی گسل هیرود و گسل های سمت مز مزمان یعنی گسل منطقه خواف و شمال دشت لوت، مناطق فعالی هستند. همچنین در منطقه قانات که نزدیک ترین منطقه به زلزله های مهرماه هرات است، در آنجا ۲۰۰ زلزله در ۷۶ زلزله نزدیکه قلات رخ داد. قبل تر هم در ایران و آذر ۵۷ زلزله قانات اتفاق افتاده بود اما به هر حال انتظار این نمی رود که به طور مستقیم جنبش های مادر تربیت حیدریه یا خواف از هرات تحریک شوند.»

زلزله ها در خود شهر هرات خرابی کمی دارند

زراع همچنین در ادامه توضیح داد: «البته با چهار زلزله ای که در هرات اتفاق افتاد، در خود منطقه هرات می توان همچنان انتظار داشت زلزله بزرگ تری رخ دهد، یعنی یکی از سناریوهای دیگری که داریم، این است که این چهار زلزله ۶٫۴ ریشتر که رخ داد، مقدمه زلزله شدید با بزرگی هفت ریشتر با بزرگ تر هم باشد. این امر امکان پذیر است. هر چند قطعی نیست اما این احتمال را می توان در نظر گرفت. در مناطقی که تا امروز این زلزله ها اتفاق افتاده، حدود ۴۰ کیلومتر با شهر هرات فاصله داشته اند. به همین دلیل آن جمعیت کشته ای که بر جای گذاشته، عمدتا از روستاییان افغانستان بوده اند و خانه های روستایی تخریب شده اند. اکثر روستاها کم جمعیت و خرابی ها هم در همان محدوده روستایی بوده اند. خرابی های بسیار محدودی در خود هرات ایجاد شده، بنابراین اگر زلزله ای به بزرگی هفت ریشتر نیز رخ دهد باز در همان ابعاد جمعیتی انتظار خسارت و تلفات می رود و آنجا منطقه جمعیتی نیست. مگر اینکه خود شهر هرات در معرض یک زمین لرزه قرار بگیرد، یعنی گسل زمین لرزه ای، این بار هرات را تحت تاثیر قرار دهد. اما این روندی که زلزله های مهر ۱۳۹۲ ایجاد کرده بودند، تقریبا ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر کانون هر چهار زلزله با هرات فاصله داشتند و همین امر کافی بود این زلزله ها در هرات موجب خرابی گسترده نشوند، به هر حال متاسفانه در آنجا خانه های خشت و گلی وجود دارند و روستاییانی که در آنجا زندگی می کردند، آسیب دیده اند و بیش از دوهزار کشته برجا گذاشته است.» زراع همچنین در پایان درباره تاثیر این زمین لرزه ها بر جغرافیا و موقعیت کشورمان گفت: «برای تحت الشعاع قرار دادن پوسته زمین در ایران انتظار نمی رود که به طور مستقیم پوسته ایران و گسل ایران را تحت تاثیر قرار دهد. به هر روی پوسته در ایران شرایط خودش را دارد و ما مگر آنی های خودمان را داریم، بنابراین معنی این سخن این نیست که اساسا انتظار هیچ اتفاق قابل ملاحظه ای نباید داشت اما در اثر زلزله های افغانستان انتظار رخداد مهمی نداریم.»